



همگرایی فرهنگ و فناوری

ابعاد موفقیت‌آمیز برگزاری نمایشگاه کتاب تهران

گروه فرهنگ:سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران چهارشنبه، ۱۷ اردیبهشت‌ماه در مصلی تهران و با شعار «برای ایران بخوانیم» افتتاح شد؛ رخدادی که تا شنبه ۲۷ اردیبهشت‌ماه ادامه داشت و در آن بیش از ۲۳۰۰ ناشر داخلی و ۴۹ ناشر خارجی حضور داشتند. همزمان با بخش فیزیکی و طبق قاعده سال‌های اخیر، بخش مجازی نمایشگاه هم مشغول به فعالیت بود و ناشران بخش مجازی توانستند کتاب‌های منتشرشده در ۱۰ سال اخیر را به فروش بگذارند؛ عددی که البته برای ناشران بخش فیزیکی، پنج‌سال بود.

▼ عدالت فرهنگی و دیپلماسی نشر

شعار این دوره: «بخوانیم برای ایران»، برگرفته از اندیشه‌های نمن‌ساز مقام‌معظم رهبری، محور همه برنامه‌ها بود. در همین راستا، یارانه‌های خرید کتاب افزایش یافت و امکان دسترسی مخاطبان به آثار متنوع فراهم‌شد. تعاملات گسترده با ناشران خارجی، حمایت از صنوف نشر و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از دیگر اقداماتی بود که این نمایشگاه را از حیث دیپلماسی فرهنگی و توسعه صنعت نشر به رویدادی متمایز بدل کرد. تعامل قابل‌توجه میان ناشران، نویسندگان، هنرمندان، سیاستمداران و مخاطبان کتاب، در کنار رونمایی از تازه‌ترین آثار حوزه ادبیات، علوم انسانی و فناوری نیز از دیگر مزایای این دوره نمایشگاه کتاب‌بود.

▼ استقبال ناشران داخلی و بین‌المللی

در این دوره، ۲۳۶۳ ناشر داخلی و خارجی با ارائه بیش از ۱۹۷ هزار عنوان کتاب، در نمایشگاه حضور یافتند. رویداد «فلوشیپ بین‌المللی کتاب تهران» یا نشریاری با تمرکز بر ادبیات و تصویر کودک و نوجوان، پذیرای ۸۰ ناشر خارجی از ۳۰ کشور بود. مهمان افتخاری نمایشگاه کتاب امسال، کشور عراق بود که با مشارکت بیش از ۳۰ ناشر و شخصیت فرهنگی از بخش‌های دولتی و خصوصی، در این رویداد حاضر شده بود. هدف از این انتخاب نیز تقویت پیوندهای تاریخی، فرهنگی و ادبی دو کشور و ترویج دیپلماسی فرهنگی اعلام شد. غرفه عراق علاوه بر عرضه کتاب‌های ادبی، تاریخی و فرهنگی، میزبان جلسات تخصصی، دیدارهای دوجانبه و بازدیدهای علمی فرهنگی بود. از جمله برنامه‌های شاخص این غرفه، افتتاح نخستین دوره «فلوشیپ ادبی تهران» در ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ بود که نمایندگان عراقی در آن شرکت کردند. علاوه بر این، بیش از ۴۰۰ نشست تخصصی در حوزه‌های ادبیات، سیاست و نشر، فرصتی برای گفت‌وگوهای مؤثر میان نخبان فرهنگی و مخاطبان فراهم کرد.

▼ رکوردشکنی در فروش مجازی

مجموع فروش کتاب در این رویداد فرهنگی به ۷,۷۶۷,۴۱۴,۷۶۹,۲۲۵ ریال رسید. این رقم نسبت به سال گذشته با رشد ۵۷/۳ درصدی همراه بوده و حاکی از استقبال گسترده مردم از خرید کتاب در هر دو بستر حضوری و مجازی است. در بخش فروش مجازی، مبلغ ثبت‌شده ۴,۵۸۵,۸۸۸,۰۱۹,۸۴۳ ریال بود که نسبت به دوره گذشته با رشد ۹۷/۷ درصدی همراه بوده است. همچنین ۱,۵۵۳,۱۸۰ جلد کتاب از طریق بستر مجازی به فروش رسیده که نسبت به رقم ۱,۰۲۹,۴۵۰ جلد سال گذشته، ۷۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در بخش فروش حضوری، مبلغ فروش به ۳,۱۸۱,۵۲۶,۷۴۹,۳۸۲ ریال رسید که نسبت به رقم ۲,۶۱۵,۹۰۰,۷۴۴,۴۶۵ ریال سال گذشته، نشان‌دهنده رشد ۲۱/۶ درصدی است. تعداد تقریبی کتاب‌های فروخته‌شده در این بخش حدود ۱,۵۲۲,۵۶۹ جلد برآورد شده که این رقم براساس قیمت میانگین کتاب‌های عرضه‌شده در نمایشگاه محاسبه شده است. این آمار البته صرفاً شامل تراکنش‌های رسمی ثبت‌شده در سامانه‌های فروش نمایشگاه بوده و فروش‌های نقدی یا کارت‌به‌کارت در این محاسبات لحاظ نشده‌اند. به هر روی، این موفقیت نتیجه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال، تسهیل خرید اینترنتی و همکاری گسترده با شرکت ملی پست در ارسال ۷۴۳,۲۶۰ مرسوله کتاب بود.

▼ رضایتمندی و تجربه تازه مخاطبان

ارتقای خدمات رفاهی، فروشگاه‌های آنلاین، اینترنت پرسرعت رایگان و نقشه‌های دیجیتال، تجربه بازدیدکنندگان را بهبود بخشید. همچنین براساس داده‌های اپراتورهای تلفن همراه، درمجموع ۶,۷۵۰,۰۰۰ نفر از نمایشگاه بهره بردند که نشان‌دهنده استقبال گسترده مردم از این رویداد فرهنگی بود.

روزهای بی تأمل در انتظار

نمایشنامه **انبارشدگان** درباره حضور تکراری و اسارت در فرایندهایی بی معنا و ناتمام است



معرفی کتاب

انبارشدگان

نویسنده: دایید د سولا

مترجم: پیمان رضایی

انتشارات: نی

قیمت: ۱۲۰ هزار تومان



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

«انبارشدگان» نام نمایشنامه‌ای است از دایید د سولا، نمایشنامه‌نویس اسپانیایی که پژمان رضایی به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب را نشر نی در قالب یکی از مجموعه‌های نمایشنامه «جهان نمایش» روانه بازار نشر کرده است.

«انبارشدگان» نمایشنامه‌ای مینیمالیستی و تأثیرگذار است با طنزی تلخ، ساختاری ساده و روان. آنچه در این اثر مخاطب و بیننده را به خود جلب و جذب می‌کند، مفاهیمی بنیادین است: بهبودگی کار، فاصله نسل‌ها و پوچی زندگی در زمانه‌ای که همه چیز مدرن است و مدرن نبودن مذمت می‌شود.

▼ سکون و سکوت و خاموشی

«انبارشدگان» داستانی ساده است، اما ساده نیست. درباره کارمند کهنه‌کار یک انباری به‌نام «آقای لینو» که می‌خواهد بازنشسته شود و یک هفته تا اتمام دوره خدمت‌اش مانده است. در این هفته آخر کاری، وظیفه‌ای بر دوش لینو گذاشته‌اند. اینکه به کارگر تازه‌واردی به‌نام «نین» آموزش دهد. خواننده نمایشنامه و تماشاچیان اجرا طی پنج روز شاهد گفت‌وگوهای آن‌ها در فضایی تقریباً خالی وی تحرک هستند؛ جایی که نه بسته‌ای وارد می‌شود، نه کاری انجام و اساساً هیچ فعالیت واقعی صورت نمی‌گیرد. همه چیز در سکوت و سکوت و خاموشی می‌گذرد. در پس این سکون اما طوفانی در حال وقوع است.

تقابل دو نگرش نسبت به زندگی به تدریج و در سکوتی که گزنده می‌نماید، آشکار می‌شود. آقای لینو نماینده نسل گذشته است؛ مردی سختگیر، منضبط و تسلیم در برابر تکرار بی‌پایان روزمره‌گی اداری. لینو پس از سال‌ها کار بی‌ثمر در انبار، با این بهبودگی فلج‌کننده انس گرفته و هیچ رقصه از آن کوتاه نمی‌آید. وضعیتی که تبدیل به هویت او شده است. شکلی از جان‌کدندی باورناپذیر که در تک‌تک کلمات و جمله‌هایی که از زبان او رانده می‌شود، حس می‌شود.

در مقابل لینو، نین جوان و تازه‌کار، مشتاق و پرسشگر است. در آغاز با ادب و اشتیاق وارد میدان می‌شود، اما به‌مرور در برابر سکون و بی‌منطقی محیط کار دچار سردرگمی، سپس بحران می‌شود. تقابل این دو شخصیت، ترکیبی غریب از طنز و تراژدی می‌سازد؛ بدبینی تلخ آقای لینو در برابر امید و ساده‌دلی نین، و این تقابل در نهایت آشکار می‌سازد که پوچی واقعی، نه در بیکاری، بلکه در وانمود به کار است.

▼ رودخانه خروشان مفاهیم عمیق

در قلب نمایشنامه «انبارشدگان» رودخانه‌ای خروشان از مفاهیم عمیق و سنگین جریان دارد که هر فصل‌اش نقدهایی تندوتیز به فضای کار مدرن می‌زند؛ به‌ویژه به شغل‌های اداری که تولیدی بی‌نتیجه‌اند و فرسودن و تباه کردن جسم و روح عاملان آن. در اینجا نیز کاری که آقای لینو انجام می‌دهد، نه معنا دارد و نه در پی رسیدن به هدفی مشخصی است؛ اسارت در چرخه تکراری عملی که جز بی‌عملی، نمی‌توان نامی بر آن گذاشت.

انباری که آقای لینودر آن کار می‌کند نمایش استعاره‌ای از محیط‌های کاری بی‌هدف است؛ جایی که آدم‌ها صرفاً

برای تکرار فرآیندهایی بی‌معنا حضور دارند. نمایشنامه، ساختاری پنج‌روزه دارد، اما زمان در آن متوقف شده است؛ هر روز شبیه به روز قبل است و حس بی‌حرکتی در همه‌جا موج می‌زند. در یک تعبیر کلی‌تر، «انبارشدگان» داستانی درباره نیازمندی انسان به معنا و هدفمندی است. پرسش نین «که چرا هیچ کاری انجام نمی‌شود؟»، درواقع انعکاسی از همین نیاز بنیادین است. نمایشنامه، بی‌بیاهو از ما می‌پرسد: اگر تمام روزهای ما چنین بگذرد، آیا زندگی‌مان معنایی خواهد داشت؟

▼ انتظار است و انتظار و انتظار

دسولا از سبکی مینیمالیستی بهره می‌برد؛ تنها دو شخصیت، یک مکان و کنش‌هایی اندک. همین سادگی به تقویت فضای اگزیستانسیال نمایش کمک می‌کند. گفت‌وگوها کوتاه، خشک و گاه همراه با طعنه و طنز است و سکوت‌ها اغلب بار معنایی بیشتری از کلمات دارند. نمایشنامه‌ای است که آنچه نمی‌گوید، به‌مراتب از آنچه می‌گوید، مهم‌تر است.

نمایشنامه «انبارشدگان» در نگاه بسیاری، یادآور آثار نمایشی ساموئل بکت و هارولد پینتر است. همانند «در انتظار کودو»، این نمایش نیز درباره «انتظار» است؛ انتظاری که پایانی ندارد و دلیل مشخصی هم برای آن نیست. همان‌گونه که شخصیت‌های بکت برای گودویی که نمی‌آید روزها را می‌گذرانند، آقای لینو و نین نیز در فضایی خالی از کنش و هدف، خود را به انجام «هیچ» مشغول می‌کنند. بااین‌حال تفاوت‌هایی هم وجود دارد؛ اثر بکت عمدتاً در فضای بی‌زمان و بی‌مکان می‌گذرد، ولی «انبارشدگان» ریشه در واقعیتی عینی و ملموس دارد؛ محیط کار. اینجا انبار نه یک مکان، بلکه فضایی است که در آن سوزها و ابژه‌ها همگی در انتظارند. حتی خود زمان هم منتظر است.

▼ درباره نویسنده

دایید د سولا، نویسنده‌ای است که از جهان سینما وارد تئاتر شد. او ابتدا در نشریات مختلف نقدهایی درباره سینما می‌نوشت اما به‌تدریج علاقه‌اش به کار عملی در سینما رفت. چندین دوره سینماگری را گذراند و حتی فیلم‌های کوتاهی هم ساخت.

وقتی در سال ۱۹۹۹ نمایشنامه «کاشی»‌ها را نوشت، ۲۸ ساله بود اما همین اثر نام او را بر سر زبان‌ها انداخت. به‌طوری‌که سه سال بعد برای نمایشنامه «انبارشدگان»، جایزه «ماچادو» ا بررد و همین شروعی بود برای درخشیدن او در دنیای نمایش و فیلمنامه‌نویسی. در سال ۲۰۱۵ کارگردانی به‌نام «جک زاگا کبابیه»، فیلمی بلند با همین نام از نمایشنامه «انبارشدگان» در مکزیک ساخت که برنده جایزه معروف آریل برای بهترین فیلمنامه شد. او در سال ۲۰۰۶ نمایشنامه «ای قرن بیستم که در آسمان‌هایی» را نوشت و یک سال بعد هم با نمایشنامه «چاله بی‌مصرف»، جوایز زیادی را برد. د سولا با فیلمنامه «در آخرین جرعه»، نیز جوایز زیادی را از آن خود کرد. در یک کلام «انبارشدگان»، نمایشنامه‌ای درباره دور مرد در یک انبار نیست؛ پرسشی است درباره خود ما، درباره ما که شغلی داریم، عاداتی که در آن گرفتار شده‌ایم و روزهایی که بدون تأمل پشت‌سر می‌گذاریم.

نیز برقرار کرده بود. او به دیدار آنها می‌شتافت و بدان‌ها امید و انگیزه می‌بخشید که به وضع رقت‌بار خویش فائق آیند و در کنار این تعامل‌های چهره‌به‌چهره، با انواع کمک‌ها و خدمات به فقیران در زمینه‌های بهداشتی، آموزشی و تهیه مسکن، آنها را به لشکری آماده برای حمایت از سیاست‌های شوهرش و حزب پرونیست بدل می‌کرد. در این دوران افزایش دستمزدها، پاداش سالیانه، هشت ساعت کار روزانه، تعطیلات با حقوق، بیمه صدمات و جراحات در حین کار و امتیازاتی دیگر محبوبیتی زاید‌الوصف به این زوج داده بود. چنین وضعیتی با تلاش‌های موثر او پرورن در بنیادهای خبریه و اعطای حق رأی به زنان درهم‌آمیخت و موجب شد پرورن برای بار دوم به ریاست جمهوری آرژانتین برسد. دور دوم رهبری آرژانتین اما برای پرورن‌ها بدشگون بود. نخست او به سرطان دهانه رحم مبتلا شد و در سال ۱۹۵۲ درگذشت و مدتی بعد آثار سوء سیاست‌های سوسیالیستی پرونیست‌ها نیز بر پرده افتاد. در این میان نظامیان و روحانیون کاتولیک نیز حمایت خود را از خوان برداشتند و بدین ترتیب او در کودتایی نظامی در سال ۱۹۵۵ برکنار شد.

▼ بر اویتا پس از مرگ چه گذشت؟

داستان رمان تحسین‌شده «اسانتا اویتا» نوشته توماس الوی مارتینث، حول این وقایع می‌گردد، اما فراتر از آنها به ماجرای حیرت‌انگیز دیگری نیز توجه ویژه دارد. آن ماجرا که شاید با خواندن آن بهتر بتوانیم بفهمیم چرا سبک «رنالیس جادویی» به‌مثابه ترکیبی از واقعیت، افسانه و تاریخ در آمریکای لاتین پرورش یافت و گابریل گارسیا مارکز درباره این کتاب نوشت: «سرانجام این رمانی است که همیشه می‌خواستم بخوانم» این است که به سرنوشت جسد مومیایی‌شده او پرورن از زمان سقوط پرورن تا قریب به دوده‌به بعد که او دوباره و برای سومین بار به قدرت رسید، می‌پردازد؛ رمانی فوق‌العاده مهیج که هر آن خواننده را با آمیزه‌ای غریب از تلفیق سیاست و فرهنگ، تقدیر و تدبیر و خیال و واقعیت مواجه می‌کند. ماه‌ها پیش از درگذشت اویتا، آرژانتینی‌های طرفدار او به مرز جنون رسیده بودند و هر کاری که به ذهن‌شان می‌رسید، انجام می‌دادند تا «روح ملت» به دامان ملت بازگردد. مخالفان‌اش البته از شغف سر از پانمی‌شناختند زیرا می‌دانستند بدون هاله اسطوره‌ای تنیده بر دور اویتا، قدرت خوان نیز چندان نخواهد پایید. آنها اما این گمان را نمی‌بردند که اویتا پس از مرگ به اسطوره‌ای لایزال بدل شود. با این همه، بر هر ناظر منصفی روشن بود که شیخ اسطوره اویتا به این زودی از آسمان آرژانتین بر نخواهد کشید؛ کم‌اینکه هنوز و همچنان نزاع بر سر میراث اویتا برقرار است؛ عده‌ای او را می‌پرستند و الگویی بی‌نظیر از انسانیت، حق‌طلبی و عدالت‌خواهی می‌نامند و دیگری، او را عوام‌فریبی قدرت‌طلب با سابقه‌ای ننگین می‌خوانند که فقط به دنبال فرونشاندن عطش شهوت شهرت خویش بود. خوان نیز قدرت جاذبه نام‌و یاد اویتا را می‌دانست و برای همین و شاید بیشتر با مقاصد سیاسی، با مومیایی کردن جسد اویتا کوشید، یاد و خاطره او را همچنان زنده نگاه دارد. بازی سرنوشت اما چونان بود که چند سال بعد، کودتاگران به این صرافت بیفتند که این خاطره زنده را که با وسواس و تبحر مثال‌زدنی پزشکی به‌نام پدرو آرا، مومیایی شده بود، از میان بردارند؛ شاید بدین طریق خیال‌شان را از قدرت‌گیری دوباره پرونیست‌ها آسوده کنند. اینجاست که بازی‌های پیچیده‌ای درگرفت؛ از ساخته‌شدن چندین بدل از زوی مومیایی او تا تلاش‌های دوستان و دشمنان او برای رسیدن به یک جسد. مومیایی اویتا البته در این میان اتفاقاتی عجیب را به چشم دید. همین‌ها هم دستمایه تلاش توماس مارتینث برای روایت داستانی گیرا و آکنده از جزئیات در خشان درباره اویتا و حتی ملت آرژانتین شده است؛ ملتی با فرهنگ «مردپرستی» که مارتینث آن را این‌گونه خلاصه می‌کند: «ما هرگز به اندازه وقتی که در بحر مرگ فرو می‌رویم، زنده نیستیم.»

بوده، داستان را به سمت دیگری می‌برد. دشیل همت، خواننده را آرام‌آرام به عمق ماجراهای پلیسی که در میخانه‌های سطح پایین نیویورک مورد توجه کارآگاه داستان قرار می‌گیرد، می‌کشاند. بالاخره با ورود پلیس دیگری به‌نام گیلد، نیک به‌صورت رسمی پا به حل پرورنده خانواده وینانت می‌گذارد. در این میان، گره‌ها یک‌به‌یک باز می‌شود و هویت مردی که حالا با همسر وینانت ازدواج کرده، مشخص می‌شود. پیچیدگی‌ها و بازشدن گره‌های پرورنده توسط نیک، او را به یک کارآگاه محبوب، مانند بیشتر کارآگاه‌های کتاب‌های دشیل همت تبدیل می‌کند. دیگر از جایی به‌بعد برای خواننده مهم نیست که بیخیالی او در ابتدای قصه، ماجرا را به چالش‌های بزرگ‌تر کشاند، چون او با همه هوش‌اش در حال حل پرورنده است.

▼ پایانی غیر قابل پیش‌بینی

کتاب ۳۱ فصل دارد و در تمام ۳۰ فصل، خواننده همراه نیک و گیلد به سبک رمان‌های جنایی پیش می‌رود، اما در فصل ۳۱ است که وقتی همه دور هم جمع می‌شوند، نیک شروع به تعریف داستان واقعی قتل‌ها و معرفی متهم اصلی می‌کند. تمام گزینه‌هایی که در فکر خواننده است، خط می‌خورد و وقتی مظنون معرفی می‌شود، همان اندازه که شخصیت‌های داستان در بهت فرو می‌روند، خواننده هم برایش باور اینکه متهم اصلی کسی است که از ابتدای داستان در نقش خیر خواه خانواده وینانت مدام سعی در همراهی داشته، سخت و شوکه‌کننده است.

«ترکه مرد» در وقایع آخرین کتابی است که همت در زمان حیاتش منتشر کرد. چون او بعد از انتشار این کتاب به حزب کمونیست آمریکا پیوست و پس از جنگ جهانی دوم، برای مدتی به زندان افتاد. آزادی او از زندان مصادف با مصادره اموالش بود و به همین دلایل سال‌های آخر عمرش را در فقر و بیماری گذراند. بنابراین می‌توان «ترکه مرد» را پخته‌ترین اثر او هم دانست که بعد از انتشار پنج کتاب به آن رسید. اثری که خشکی رفتاری یک کارآگاه خسته و بازنشسته را با ترفند قراردادن او در کنار یک زن جوان، در بستر می‌که هم کم‌دی به‌اندازه کافی دارد و هم درگیرکننده است، در چارچوب‌های یک رمان جنایی روایت کرده.